

زشت‌ترین اتهام زنی را عضو رسانه ای تیم احمدی نژاد انجام داد. عبدالرضا داوری که پیش از این نیز نامه های دشنام آلود به مقامها و مراجع نظام منتشر کرده بود در اقدامی که موج اعتراض و انزجار اهالی سینما را در پی داشت با درج عکس فیلم گاو از کلمه «بازیگر گاو...» به عنوان تیتر علیه ایشان استفاده کرد! و خطاب به استاد نوشت: "تو مش حسن نیستی، تو گاو مش حسن هستی!"

صرفاً به خاطر نگارش يك نامه!



هنوز زمان چندانی از انتشار نامه استاد عزت [۱] انتظامی به رئیس جمهوری نگذشته بود که موجی از توهین و دشنام علیه این چهره سرشناس سینمای ایران به راه افتاد. انتظامی در نامه‌ای با لحن صریح از روحانی خواسته بود همانند مسئله برجام و انتخابات، مساله حصر را نیز حل و فصل نماید. استاد انتظامی در نامه‌اش خطاب به رئیس جمهور نوشته بود که در "انتهای عمر نود و چند ساله اش" از او می‌خواهد تا با مذاکره با مسئولان کشور، مساله حصر میرحسین موسوی، مهدی کروبی و زهرا رهنورد را "حل کند". استاد انتظامی پرسیده: "چگونه می‌توان با قدرت های بزرگ جهان بر سر کسب منافع ملی بر سر یک میز نشست و چانه زد و بالاخره به نتیجه هم رسید، اما نمی‌توان با مسئولان کشور بر سر منافع ملی مذاکره کرد؟

در پی انتشار این نامه، سایت‌ها و کانال‌های تندروها، این پیشکشوت و استاد هنری را با تیتراها و الفاظ موهن یاد کردند و آنچه شایسته خودشان است را تار آفای بازیگر سینمای ایران کردند که در این میان زشت‌ترین اتهام زنی را عضو رسانه ای تیم احمدی نژاد انجام داد. عبدالرضا داوری که پیش از این نیز نامه های دشنام آلود به مقامها و مراجع نظام منتشر کرده بود در اقدامی که موج اعتراض و انزجار اهالی سینما را در پی داشت با درج عکس فیلم گاو که در آن استاد انتظامی نقش‌آفرینی کرده بود از کلمه «بازیگر گاو...» به عنوان تیتر علیه ایشان استفاده کرد! و خطاب به استاد نوشت: "تو مش حسن نیستی، تو گاو مش حسن هستی!"

ارتباط بهنوش بختیاری و عزت [۱] انتظامی با سیاست؟

علی اصغر شفیعیان، مدیر مسوول انصاف نیوز در یادداشتی در این سایت نوشت: شاید نامه‌ی سیاسی عزت [۱] انتظامی، استاد بازیگری سینما به آقای روحانی را دیده‌اید و اگر ندیده‌اید در زیر همین یادداشت آمده است. اگر من و شمای خواننده در جریان سیاسی همسویی هستیم، تمایل داریم که هر چه زودتر حصر برچیده شود؛ اما حرف این یادداشت موضوعی دیگر است. یک بار برای همیشه تکلیف خودمان را باید مشخص کنیم با میزان اهمیت دادن به نقش بازیگر و فوتبالیست و امثالهم در سیاست.

علی پروین از کاندیداهای ریاست جمهوری ۷۶ حمایت می‌کرد، هنوز هم در انتخابات‌ها به عنوان حامی با این و آن کاندیدا عکس می‌گیرد! حتی در همین انتخابات کسانی او را به ستادهایشان برده‌اند، عکس‌های آن را شاید دیده‌اید. یا کاندیدای محترمه‌ی جوانی که در انتخابات اخیر در تهران با افشین پروانی مربی فوتبال عکس گرفته و در تبلیغات او نوشتند که پروانی گفته به این کاندیدا رای بدهید که مجلس گلستان می‌شود!

حمید سوریان قهرمان کشتی را که یادتان هست، مدالش را به احمدی نژاد داده بود، بعد که دوره‌ی احمدی نژاد به سر آمد و روحانی انتخاب شد، مدعی فشار شد! لابد قابل اثبات هم نیست که کدام واقعی بوده است. استاد انتظامی هم بازیگر است، پیشکشوت بازیگری است، محترم است، هنرمند است، بالای سر است، اما اگر نامه‌های سیاسی ایشان را جدی بگیریم به مشروعیت اظهارنظرهای مشابه مهر تایید زده ایم، چه اظهارنظر بهنوش بختیاری بازیگر فیلم دلک‌ها که توافق هسته‌ای را

با عهدنامه‌ی ننگین ترکمنچای مقایسه کرد! یا همین استاد گرامی در آن سالها برای حل مساله‌ی بنیاد خود با مشایب عکس گرفت و بعد البته توضیحی منتشر کرد.

تکلیف را اگر مشخص نکنیم، فردایی هم هست و این همه‌ی سوپرستارهای حوزه‌های غیرسیاسی از جمله بازیگرانی که می‌توانند در سیاست نقش بازی کنند. من برای چنین «ابراز دغدغه»هایی اصالت یا اهمیتی قائل نمی‌شوم؛ علاقه‌ی سحرقریشی به احمدی نژاد جلوی چشم‌هایمان باشد!  
یک نکته را هم لازم می‌دانم درباره‌ی محتوای نامه‌ای که به نام استاد انتظامی منتشر شده بگویم:

این نامه بعد از آن نوشته شده که پس از چند سال حصر خانگی بسیار محدودکننده، در آخر بهمن ماه برای اولین بار جمعی از خانواده یا میرحسین موسوی و زهرا رهنورد به بهانه‌ی عقد دخترشان ملاقات داشته‌اند. این اتفاق حق هم بوده که البته بوده، اما نشانه‌ی تغییری است. تاکید نامه بر این که وقت حل مسایل داخلی - از جمله مساله‌ی حصر - است، درست پس از اعلام برنامه‌ی رییس‌جمهور برای اجرای «برجام دو» یا همان «برجام داخلی»؛ بی‌موقع یا استفاده از فرصت تلقی نمی‌شود؟

متن نامه‌ی عزت [ ] انتظامی به رییس‌جمهور

به نام پروردگار متعال

جناب آقای دکتر حسن روحانی، رییس‌جمهور محترم

با عرض سلام و ادب و احترام

چگونه می‌توان دل در گرو سربلندی میهن داشت و از لاینحل ماندن پاره‌ای مشکلات بیمناک نبود؟ و آنچه این نگرانی را افزون می‌کند، تداوم آنها و بی‌تفاوتی در قبال آنها است. از همین رو برآن شدم تا دست به قلم برم و دغدغه این روزهایم را بیان کنم. چون همواره بیم آن داشته‌ام که سر بر زمین بگذارم و چشم از جهان ببندم و این مشکل لاینحل باقی مانده باشد.  
جناب آقای رییس‌جمهور، شما با به سرانجام رساندن یکی از وعده‌های انتخاباتی‌تان، توانستید سایه شوم تحریم‌ها را از طریق مذاکره و گفتگو از سر ملت بردارید. آیا وقت آن نرسیده است تا به دیگر وعده‌های انتخاباتی‌تان، یعنی برداشته شدن حصر از سه بزرگوار - سرکار خانم زهرا رهنورد و آقایان میرحسین موسوی و مهدی کروبی - عمل کنید؟ بزرگ‌ترین دست‌آورد این عمل، یقیناً بیشتر شدن اعتماد و اتحاد ملی است. که قطعاً شما پیش از هر شهروند دیگری از این دست‌آورد خرسند خواهید شد. پس چرا در انجام این وعده تعلل می‌کنید؟ چگونه می‌توان با قدرت‌های بزرگ جهان بر سر کسب منافع ملی بر سر یک میز نشست و چانه زد و بالاخره به نتیجه هم رسید، اما نمی‌توان با مسوولان کشور بر سر منافع ملی مذاکره کرد؟ مگر می‌شود مساله‌ای با این اهمیت همچنان لاینحل باقی بماند؟ شما بیش از دو سال بی‌وقفه با همتی ستودنی پیگیر حل مساله تحریم‌ها بوده‌اید. حال همتی کنید و مساله مهم داخلی را هم با همین شیوه حل کنید. کدام مسوول مملکتی است که خواهان لاینحل باقی ماندن مسایل باشد؟ مگر می‌شود مساله‌ای با این اهمیت را نادیده گرفت و خواهان همبستگی ملی هم شد؟ نادیده گرفتن حقایق و چشم بستن بر آنها، فقط به دشوارتر شدن حل آنها می‌انجامد. صحبت از همبستگی ملی است. شاید بتوان به شهروندی گفت که از دیگری باایمان‌تر است، اما نمی‌توان به همان فرد گفت از دیگری ایرانی‌تر است. ایران متعلق به همه ما است؛ با هر عقیده یا مرام. از همین رو باید از آشتی ملی که منجر به همبستگی ملی می‌شود سخن گفت.  
من عزت [ ] انتظامی در انتهای راه دراز عمر نود و چند ساله‌ام، این امید را دارم که با تدبیر و عقلانیت این مساله نیز همچون مساله تحریم‌ها ختم به خیر شود. چون از شما این انتظار را دارم که در آستانه نوزدهم مساله حصر را هم حل کنید تا موجبات وحدت ملی در جامعه فراهم آید. ان‌شاء [ ]

دعاگوی شما، با احترام / عزت [ ] انتظامی ۱۳۹۴/۱۲/۱

منبع / بهارنیوز